

مجلس دوم: عبادت و یادآوری نعمت‌های الهی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمهدی سلطانی رنانی*

اشاره

از جمله برنامه‌های خدامحور در رسیدن انسان به سعادت و فلاح دنیوی و اُخروی، عبادت و یادآوری نعمت‌های الهی است؛ زیرا انسان‌ها با اجرای این دو برنامه، خود را بیش از پیش در صراط معبود حفظ و در یاری دین او سهیم کرده و رضایتش را جلب می‌کنند. از سوی دیگر، انسان دارای دو بُعد فطری و طبیعی است و لازم است هر چیزی را که پروردگار در وی به ودیعه نهاده، در قالب این دو بُعد رشد و تعالی بخشد و عبادت خداوند، بهترین برنامه برای تبلور آن است. همچنین، تکامل انسان در گرو عبادت خداوند^۱ و یادآوری نعمت‌های الهی است^۲ که اثر عبادت، رسیدن به تقوا و نهایت تقوا، رستگاری است.^۳

مفهوم عبادت

«عبادت» در لغت، از ریشه «عبد» و دارای دو معنای «نرمش و کوچک کردن خود» و «شدت و صلابت» است.^۴ معنای اول (نرمی و رامی)، به عبادت خدا اختصاص دارد.^۵ عبد در اصطلاح، به انسانی گفته می‌شود که به‌طور کامل به مولا و صاحب خود تعلق داشته باشد و اراده و خواستش، تابع اراده و خواست او باشد.

* پژوهشگر حوزه و دانشگاه و مدرس معارف اسلامی.

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره بقره، آیه ۲۲.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۴. ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۲۰۷-۲۰۵.

۵. ر.ک: جوهری، صحاح، ج ۲، ص ۵۰۳.

مفهوم نعمت

«نعمت» نیز از ریشه «نعم» به معنای «حالت نیک و پسندیده»، «خوشی» و «خیر» و «شایستگی» در زندگی است.^۱ این واژه، اسم جنس است که برای کم و زیاد استعمال می‌شود.^۲ در اصطلاح نیز، نوعی نیکی رساندن به دیگری و ایجاد نوعی خوشی در زندگی اوست.^۳

اهمیت سعادت

«سعادت» و «نیک‌فرجامی»، از آمال هر انسان خردمندی است و متاعی ارزان نیست که در هر بازاری و صندوق هر عطاری قابل دست‌یابی باشد؛ بلکه متاعی ست گران‌بها که تنها در بازار گرم دین و دین‌داری وجود دارد و ارزانی مؤمنان عابد و نیکوکار خواهد شد. در قرآن، سعادت مفهومی است که دارای درجات و مراتب مختلف شمرده شده و امری اکتسایبی و محصول عبادت آگاهانه و اعمال صالح معرفی شده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً؛^۴ هر کس از مرد یا زن، کاری شایسته انجام دهد و او مؤمن باشد، او را به حیاتی پاکیزه زنده می‌داریم.» پس بر خریداران و آرزومندان سعادت و سعادت‌مندی، بایسته است که دیوار ظلمت کدهٔ نفس را در هم شکنند و با عبادت حق و یادآوری نعمت‌های الهی، از چاه ظلمانی بیرون آیند و به عالی‌ترین ارزش و مرتبهٔ سعادت، یعنی قرب الهی توجه نموده و دست یابند.

آثار عبادت

۱. عبودیت و بندگی

مقام عبودیت، نخستین وصف انبیا و بالاترین شرافت و کرامت انسان است و بزرگی خدا، به معنای وابستگی مطلق به او و در همه حال، سر به فرمان او نهادن و نداشتن اراده‌ای از خود در برابر ارادهٔ اوست.^۵ خداوند متعال با عطای نعمت‌های الهی خود، به بشر یادآور می‌شود که دائم

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، مادة «نعم».

۲. همان.

۳. ر.ک: ابن‌فارس، معجم مقاییس اللّغه، ج ۴، مادة «نعم».

۴. سوره نحل، آیه ۹۷.

۵. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۷.

او را اطاعت کرده و عبادت نماید و از نافرمانی و طغیان‌گری دوری کند؛ زیرا عبادت پروردگار، رمز تکامل و پیشرفت خود انسان و نردبان معرفت الهی است و این امر، از جمله نیازهای فطری و ذاتی بشر است که با هدف به کمال رسیدن، در وجود او نهاده شده است و اگر این نیاز سعادت‌مندان به جای قرارگرفتن در مسیر صحیح، در اطاعت هوای نفس و شیاطین قرار گیرد، نه تنها انسان را به مقصد نمی‌رساند، بلکه او را به انحطاط و نابودی می‌کشاند. امام علی علیه السلام فرمود: «خداوند پاداش را بر اطاعت و عبادت خویش و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به سوی بهشت بکشاند.»^۱

۲. رستگاری

هدف تمام برنامه‌های اسلام، فلاح و رستگاری است. احکام دین، برای رسیدن به تقواست: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۲ و تقوا، راه وصول به رستگاری است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳ جالب آن‌که آخرین هدف اسلام، در نخستین شعار آن آمده است: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا؛» به یگانگی خداوند اقرار کنید تا رستگار شوید.»

قرآن کریم در آیات اول سوره مومنون، از نشانه‌های رستگاران پرده برداشته و با کلید ایمان و بیان ویژگی‌های مؤمنان، ایشان را رستگاران قطعی شمرده است: الف) نماز در رأس برنامه‌های عبادی و اسلامی آن‌ها قرار دارد. ب) از کارهای لغو دوری می‌کنند که موجب غفلت از یاد خدا و توجه به امور پست مادی و لهو و لعب گردد. ج) با پرداخت زکات، به رشد و نمو و پاکیزگی در مسیر عبادت خداوند دست می‌یابند. د) پاک‌دامنی پیشه می‌کنند و در مقابل آلودگی‌ها و فسادهای جامعه به اصلاح‌گری می‌پردازند. و) متعهد بوده، خلف وعده و خیانت در امانت نمی‌کنند. ی) از بخل دوری کرده و اهل ذکر کثیرند.^۴

در حدیث قدسی از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که می‌فرماید: «هرگاه اشتغال من بر بندهام چیره گردد، خواسته و لذتش را در عبادت و یاد خود قرار می‌دهم؛ پس آن‌گاه من عاشق او می‌شوم. سپس پرده میان خود و او را برخواهم داشت و این حالت را بر او مسلط خواهم کرد تا

۱. محمد دشتی، نهج البلاغه، ح ۳۶۸.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۰.

۴. ر.ک: عروسی حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۳۰ - ۵۲۷؛

آن که چون مردم غافل شوند، او غافل نشود. این بنده سخنش، سخن پیامبران است. اورستگار و قهرمان حقیقی است.^۱» بر این اساس بود که اولیای خدا برای کسب سعادت، به عبادت می پرداختند و لحظه‌ای در این خصوص درنگ نمی کردند. «آیت الله العظمی نجفی» نمونه‌ی بارز این تلاش است. ایشان می فرماید: «وقتی سال ۱۳۴۳ در قم سکونت کردم، صبح‌ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام اقامه نماز جماعت نمی شد. من کسی بودم که این سنت را آن جا رواج دادم. از شصت سال پیش، صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر، زودتر از دیگران می رفتم و منتظر می ایستادم. در زمستان‌ها بیلچه‌ای کوچک به دست می گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز می کردم تا خویش را به حرم برسانم. در آغاز به تنهایی نماز می خواندم. پس از مدتی، یک نفر به من اقتدا کرد و بعد، افراد دیگر هم آمدند و به این ترتیب، نماز جماعت را در حرم آغاز کردم.»

۳. شکیبایی

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و مغلوب می شود؛ اما انسان مرتبط با خداوند که به عبادت و ذکر الهی مشغول است، مشکلات را کوچک می بیند. قرآن می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۲ از صبر و نماز یاری جوید و به‌راستی که آن جز بر خاشعان، گران است.» بنابراین، صبر کلید پایداری در عبادت و بندگی خداست. فرشتگان بر اهل بهشت سلام می کنند؛ نه به دلیل نماز، حج و زکات، بلکه به علت صبر و پایداری آنان: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»^۳ سلام بر شما برای آن که صبر کردید.»

این را هم بدانید که تلاوت قرآن، مهم‌ترین ذکر خداست و بیشترین نقش را در افزایش آستانه تحمل دارد.

یکی از هم سلولی‌های مرحوم آیت‌الله طالقانی می گوید: شبی در زندان، درحالی که از هر سلول ناله‌ای استغاثه‌آمیز به گوش می رسید، یکی آه می کشید و دیگری از درد شکنجه به خود می پیچید

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۶۰.

۲. سوره بقره، آیه ۴۵.

۳. سوره رعد، آیه ۲۴.

و خدا را به یاری می‌طلبید و شخص دیگری در آتش تب می‌سوخت و در هذیان، عزیزانش را به نام می‌خواند، صدای ملکوتی قرآن از مرحوم طالقانی به گوش می‌رسید که می‌فرمود: «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا»^۱ ناگاه دژخیمان زندان وارد شدند و مرحوم طالقانی را بردند و بعد از مدتی، در حالی که تن شریفش در زیر تازیانه آنان سیاه شده بود، او را برگرداندند؛ اما باز صدای قرآنش بگوش رسید: «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا»^۲ باز صدای زندانبان شنیده شد که آمدند و مرحوم طالقانی را بردند و او را شکنجه کردند و برگرداندند. مجدداً صدای قرآن او بلند شد و با اینکه هم‌سلولی‌هایش از او خواهش کردند که از ادامه قرآن چشم بپوشد - زیرا زندانبانان اهل ترحم نبودند - ولی مرحوم طالقانی در جواب گفت: «امشب دلم گرفته و هوای تلاوت قرآن را کرده است و شکنجه آنان، تأثیری در من ندارد.» آنگاه خواند: «فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا»^۳ باز در سلول باز شد و پیکر او را کشان‌کشان به شکنجه‌گاه بردند. هنگامی که او را آوردند، دیگر وقت خروس خوان صبح بود و از جای تازیانه‌ها خون می‌چکید!»^۴

یادآوری نعمت‌های الهی

یکی از مظاهر شکر و سپاس حق تعالی، یادآوری نعمت‌هایی است که خداوند به انسان‌ها عنایت فرموده است. شکر نیز یا به معنای ابراز نعمت^۵ و یا به معنای اعتراف نعمت^۶ است و هر چه باشد، در مقابل نعمت و احسان است که از صاحب نعمت به انسان می‌رسد؛ از این رو قرآن، شکر و سپاس را متفرع بر ایصال نعمت دانسته و می‌فرماید: «وَالشُّكْرُ لِلَّهِ»^۷ و سپاس گویند نعمت‌های خدا را. شکر برخلاف حمد که ثناگویی زبانی است، نوعی فعل است که از تعظیم صاحب نعمت خبر می‌دهد؛ اعم از این که زبانی، اعتقادی یا جوارحی باشد. شکر زبانی،

۱. «قسم به فرشتگانی که جان کفار را با سختی بگیرند! قسم به فرشتگانی که جان اهل ایمان را با راحتی بگیرند!»
۲. «قسم به فرشتگانی که به سرعت فرمان خدا را انجام می‌دهند! قسم به فرشتگانی که در نظم عالم از همه پیشی می‌گیرند و قسم به مؤمنانی که در جهاد با کفار به امر خدا از هم سبقت می‌گیرند!»
۳. «قسم به فرشتگانی که تدبیرکننده عالم خلقت‌اند!»
۴. علی اکبر مؤمنی، انس با قرآن، ص ۶۷-۶۶.
۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه «شکر».
۶. فیومی، المصباح المنیر، ص ۳۱۹.
۷. سوره نحل، آیه ۱۱۴.

شناگویی صاحب نعمت در مقابل ایصال نعمت است. شکر قلبی، به خاطر آوردن نعمت‌های منعم است و شکر عملی، تلافی عملی نعمت به قدر قدرت.^۱

روزی حضرت عیسی علیه السلام در مناجاتش با خداوند، عرضه داشت: «پروردگارا! دوستی از دوستارانت به من بنما.» خطاب رسید: «به فلان محل برو که ما را در آن جا دوستی ست.» مسیح به محل موعود رفت. زنی را دید که نه چشم دارد، نه دست و نه پای. او روی زمین افتاده بود و این ذکر را بر زبان داشت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ عَلَى آيَاتِهِ.» حضرت از حالت آن زن شگفت‌زده شد، پیش رفته و به او سلام کرد. زن گفت: «عَلَيْكَ السَّلَام يَا رُوحَ اللَّهِ!» فرمود: «ای زن، تو که هرگز مرا ندیده‌ای! از کجا شناختی من عیسی هستم؟» زن گفت: «آن دوستی که تو را به سوی من دلالت کرد، برایم معلوم نمود که تو روح الله هستی.» فرمود: «ای زن، تو از چشم، دست و پا محرومی و اندامت تپاه شده!» زن گفت: «خدا را ثنا می‌گویم که دلی ذاکر، زبانی شاکر و تنی صابر دارم! خدا را به وحدانیت و یگانگی یاد می‌کنم که هرچه را می‌توان با آن معصیت کرد، از من گرفته است. اگر چشم داشتم، به نامحرم نظر می‌کردم؛ اگر دست داشتم، به حرام می‌آلودم و اگر پا داشتم، دنبال لذات نامشروع می‌رفتم؛ در آن صورت چه عاقبتی داشتم؟»^۲

آثار یادآوری نعمت‌های الهی

۱. گسترش رحمت الهی

در فرهنگ دینی، این واقعیت مسلم است که عبادت خداوند و روی آوردن به ذکر و طاعت او، کلیدی است که با آن، در رحمت خدا باز و برکات آسمانی بر زمینیان فرودمی‌آید. قرآن کریم برای پندآموزی بشر، به سرگذشت برخی پیشینیان که با ناسپاسی و عدم عبادت و اطاعت الهی، خود را از نعمت‌های خداوند و سعادت دنیوی و اخروی محروم کردند، اشاره کرده و درباره قوم سبأ می‌فرماید: «به خاطر ناسپاسی آنان و دوری از عبادت الهی، سیلی مهیب و بنیان‌کن بر آنان مسلط ساختیم که عامل از بین رفتن باغ، مزارع و منازل آنان شد»^۳؛ بنابراین زیادی نعمت، ناشی از شکر نعمت و گسترش رحمت الهی ناشی از عبادت خداوند، به خود شاکر و عبادت‌کننده

۱. رضا وطن‌دوست، عمل در قرآن، ص ۱۸۳.

۲. علی اکبر نهاوندی، خزینة الجواهر، ص ۳۱۸.

۳. سوره سبأ، آیه ۱۶.

برمی‌گردد که فرمود: «وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»^۱

۲. بخشش گناهان

از آثار و ثمرات اخروی عبادت و بندگی خداوند، مغفرت الهی ست که شامل حال عبادت‌کنندگان و ذاکران الهی می‌گردد.^۲

انسان مؤمن بر اثر لغزش‌هایی که در مدت عمر داشته، معمولاً در اندوه و نگرانی به سر می‌برد و همواره دنبال انجام کارهایی ست که باعث آمرزش گناهان وی می‌شود. از طرفی خدای غفار، باب آمرزش خود را بر بندگان خویش گشوده و اسباب آسوده‌خاطری آن‌ها را فراهم کرده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»^۳ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نباشید که او همه گناهان را می‌آمرزد.»

از طرف دیگر، خداوند راه‌های متعددی را برای آمرزش بندگان قرار داده است؛ ولی بهترین این راه‌ها، یادآوری عظمت خداوند متعال، عبودیت مستمر او و ذکر نعمت‌های بی‌پایانش است.^۴

۳. نجات از غفلت

همه گناهان کوچک و بزرگ، در حال غفلت و بی‌خبری رخ می‌دهد. عوامل غفلت‌زا بسیار است. شیطان نیز برای اغفال هر کسی، از طریق ویژه‌ای وارد می‌شود که با حال و شغل او مناسب و بر وی مؤثر است و او را به آن سرگرم می‌کند. آنچه غفلت را برطرف، عمل را صالح و انسان را تربیت می‌کند، عبادت و بندگی حقیقی خداوند و تذکر است. عوامل تذکر نیز، فراوان است. بعضی از آن‌ها، تکوینی و برخی دیگر تشریحی‌اند. اجرام زمینی و آسمانی، شب و روز، نعمت‌های مادی، پدیده‌های حیات و تمامی ذرات جهان هستی که ساخته‌پروردگار یکتاست، عوامل تکوینی تذکر است که نظرکردن به آن‌ها، اهل معرفت را به یاد خدا می‌اندازد و عوامل

۱. سوره نمل، آیه ۴۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۵.

۳. سوره زمر، آیه ۵۳.

۴. ر.ک: سید مهدی سلطانی رناتی، راهکارهای قرآنی در غلبه بر فشارهای روانی، ص ۵۷ - ۵۶.

تشریحی تذکر، همان عبادات و بندگی خداوند است که بهترین برطرف کننده غفلت می باشد.^۱

۴) محبوبیت نزد خداوند

در حالت عادی، خیلی از مواردی که انسان از مافوق خود یا از قوانین اطاعت می کند، اطاعت بدنی همراه عصیان روحی است؛ یعنی با اکراه و اجبار اطاعت می کند؛ اما اگر این فرمانده محبوب انسان باشد، شخص از شدت علاقه و محبتی که به او دارد، همراه با اطاعت بدنی، پذیرش روحی نیز خواهد داشت و از این امر خوشحال است که فرمانی از طرف دوست و محبوب خود را اجابت کرده است. با این ویژگی ها، انسان محبوب خداوند می شود و نافرمانی او را نمی کند؛ لذا شکر نعمت های الهی را به جا آورده و مسیر تربیت و کمال را طی می کند تا به هدف خویش برسد که وصال محبوب و سعادت ابدی است؛ زیرا: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْكُرْتَ فَلَانَا فَيَقُولُ بَلْ شَكْرْتِكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛^۲ خداوند هر دل اندوهگین را دوست دارد و هر بنده شکوری را هم دوست دارد. خداوند روز قیامت به یکی از بندگان خود می گوید که آیا فلان شخص را شکر گفتی؟ می گوید بارخدا یا تو را شکر گفتم! سپس فرمود که هرگاه او را سپاس نگویی، مرا هم سپاس نگفته ای. بعد فرمود که سپاس گزارترین شما به خدا، کسی است که از مردم بیشتر سپاس گزاری کند.»

۱. ر.ک: همان، ص ۶۰-۵۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.